

۳. مرحوم حائری درباره‌ی این روایات ۲ توجیه مطرح می‌کند:

«و الجواب عنهما واضح، فإنَّ المبحوث عنه هو شریة نية المعصية، و ما فی الروایتین هو الحكم علی ما هو المفروغ عن شریته بما یرتب علیه من الآثار. هذا، مع إمكان دعوی الانصراف إلى إسرار العمل الخارجی شراً و التظاهر بالخیر الذی هو النفاق. و أمّا روایتا عبد الله بن موسی و جابر فهما ضعيفان سندا و متنا و غیر دالین علی المطلوب، لأنَّ فی الأوّل منهما عدم کتابة السيئة إلاّ بعد فعلها فهو أدلّ علی العکس، و أمّا الثانی فلأنّ عقوبة الکافر علی قصد المعصية لا تدلّ علی عدم عقوبة المؤمن علیه»^۱.

توضیح:

۱. اولاً در دو روایت اول و دوم، سخن در آثار دنیوی نیت بد است و نه آثار اخروی.
۲. ثانیاً: ممکن است بگوئیم موضوع این دو روایت [با توجه به لفظ «الشّر»] آن است که عبد کاری را که فی الواقع شر است انجام دهد ولی در چشم مردم آن را خیر جلوه دهد. [یا کاری را خفا انجام دهد که مردم ندانند].
۳. اما در روایت‌های ۳ و ۵، اولاً از حیث سند ضعیف هستند [ما می‌گوییم: سند روایت ۳ ضعیف است چرا که علی بن حفص و علی بن سائح و عبدالله بن موسی بن جعفر ناشناخته‌اند. و هم‌چنین سند روایت ۵

۱. مبانی الاحکام، ج ۲، ص ۴۳.

هم به سبب محمد بن حسن بن شمون که فاسد المذهب دانسته شده و هم چنین عبدالله بن عمرو بن اشعث که ناشناخته است ضعیف است.]

۴. و از حیث دلالت هم روایت دلالت بر مقصود ندارد چرا که:

۵. روایت ۳، می‌گوید اگر فعل صورت گرفت، گناه نوشته می‌شود.

۶. و روایت ۵ هم می‌گوید کافر به خاطر قصد معصیت عقاب می‌شود و از این استفاده نمی‌شود که مؤمن هم بر قصد معصیت عقاب می‌شود.

۷. [ما می‌گوییم: در عبارت «عدم عقوبة المؤمن علیه» ظاهراً «عدم» زائد است.]

۸. [ما می‌گوییم: روایت ۴ هم مربوط به آثار دنیوی است و لذا ربطی به عقوبت اخروی ندارد.]

ما می‌گوییم:

مرحوم حائری در ادامه به روایاتی اشاره می‌کند که بر این مطلب دلالت دارد که «قصد معصیت» موجب عقوبت نمی‌شود. ما به برخی از این احادیث اشاره کرده بودیم و اکنون برای تکمیل بحث آن‌ها را (مطابق روایات باب ششم از ابواب مقدمات عبادات در وسائل) مطرح می‌کنیم.

روایات دال بر عدم عقوبت در قصد معصیت

روایت (۱) «وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لَادَمَ فِي ذُرِّيَّتِهِ أَنْ مَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ وَعَمَلَهَا كُتِبَتْ لَهُ عَشْرًا وَمَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ وَمَنْ هَمَّ بِهَا وَعَمَلَهَا كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ»^۱
ما می‌گوییم: روایت صحیح است و دلالت آن بر مطلب تمام است.

روایت (۲) «وَعَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَهْمُ بِالْحَسَنَةِ وَلَا يَعْمَلُ بِهَا فَتُكْتَبَ لَهُ حَسَنَةٌ وَإِنْ هُوَ عَمِلَهَا كُتِبَتْ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لِيَهْمُ بِالسَّيِّئَةِ أَنْ يَعْمَلَهَا فَلَا يَعْمَلُهَا فَلَا تُكْتَبُ عَلَيْهِ»^۲
ما می‌گوییم: روایت صحیح است و دلالت آن بر مطلب تمام است.

روایت (۳) «وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَوْ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لَادَمَ (ع) يَا آدَمُ - جَعَلْتُ لَكَ أَنْ مَنْ هَمَّ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ بِسَيِّئَةٍ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ فَإِنْ

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۱، ح ۹۸.

۲. همان، ح ۹۹.



عَمَلَهَا كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ وَ مَنْ هَمَّ مِنْهُمْ بِحَسَنَةٍ فَإِنْ لَمْ يَعْمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَإِنْ هُوَ عَمَلَهَا كُتِبَتْ لَهُ عَشْرًا
الْحَدِيثُ.»^۱

ما می‌گوییم:

۱. روایت صحیح است و دلالت می‌کند بر این‌که یک قاعده الهی است و فقط هم مربوط به دین اسلام نیست.

۲. در سه روایت مطرح شده، آنچه موضوع بحث است، «اهتمام» است. ابی هلال عسگری، «هم» را قبل از قصد می‌داند و معتقد است «هم» به معنای آخرین مرحله عزم و اراده است و پس از آن است که قصد حاصل می‌شود.^۲ این در حالی است که مرحوم مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن می‌نویسد «هم»، عزم بر یک کار و شروع در مقدمات است.

۳. مطابق نظر ابی هلال، عدم ترتب عقاب بر «هم معصیت»، منافی با ترتب عقاب بر قصد معصیت نیست ولی مطابق نظر مرحوم مصطفوی، عدم ترتب عقاب بر «هم معصیت»، به طریق اولی عدم عقاب در عزم و قصد معصیت را ثابت می‌کند.

روایت (۴) «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ فِي كِتَابِ الزُّهْدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا هَمَّ الْعَبْدُ بِالسَّيِّئَةِ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ وَإِذَا هَمَّ بِحَسَنَةٍ كُتِبَتْ لَهُ.»^۳

روایت (۵) «و فِي التَّوْحِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ السَّعْدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ فَإِنْ عَمَلَهَا كُتِبَتْ لَهُ عَشْرًا وَيُضَاعَفُ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ إِلَى سَبْعِمِائَةٍ وَ مَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ حَتَّى يَعْمَلَهَا فَإِنْ لَمْ يَعْمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَإِنْ عَمَلَهَا أَجَلَ تِسْعِ سَاعَاتٍ فَإِنْ تَابَ وَ نَدِمَ عَلَيْهَا لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ وَإِنْ لَمْ يَتُبْ وَ لَمْ يَنْدَمْ عَلَيْهَا كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ.»^۴

روایت (۶) «عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: لَوْ كَانَتِ النَّيَّاتُ مِنْ أَهْلِ الْفِسْقِ يُؤْخَذُ بِهَا أَهْلُهَا إِذَا لَأَخَذَ كُلُّ مَنْ نَوَى الزُّنَا بِالزُّنَا وَ كُلُّ مَنْ نَوَى السَّرِقَةَ بِالسَّرِقَةِ وَ كُلُّ مَنْ نَوَى الْقَتْلَ بِالْقَتْلِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَدْلٌ كَرِيمٌ لَيْسَ الْجَوْرُ مِنْ شَأْنِهِ وَ لَكِنَّهُ يُثِيبُ عَلَى نِيَّاتِ الْخَيْرِ أَهْلَهَا وَ إِضْمَارَهُمْ عَلَيْهَا وَ لَا يُؤْخَذُ أَهْلُ الْفِسْقِ حَتَّى يَفْعَلُوا الْحَدِيثُ.»^۵

۱. همان، ح ۱۰۰.

۲. الفروق فی اللغة، ج ۱، ص ۱۲۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۰۲.

۴. همان، ص ۵۵، ح ۱۱۲.

۵. همان، ح ۱۱۳.



ما می‌گوییم:

مرحوم حائری درباره این روایت می‌نویسد:

«و لا يخفى أن المستفاد من الأخير أمران أيضا: أحدهما: وضوح ذلك بحسب ارتكاز المسلمین و أنه ليس الأمر كذلك بأن يؤخذ من نوى الزنا بالزنا. ثانيهما: أن ذلك جور و هذا مناف للاستحقاق و العفو، بل مقتضى ذلك عدم صلاحية القصد لأن يكون موردا للتحريم، فتأمل.»^۱

توضیح:

۱. اولین نکته‌ای که از این روایت قابل استفاده است، آن است که این مطلب که نیت کار بد، موجب عقوبت نمی‌شود، برای مسلمین یک امر مرتکز بوده است.
۲. و دومین نکته که حضرت ترتب عقاب بر نیت را ظلم می‌داند و لذا نمی‌توان گفت که نیت گناه باعث استحقاق می‌شود ولی عفو شده است. (چرا که ظلم نمی‌تواند با استحقاق سازگار باشد)
۳. و لذا روایت تصریح دارد که قصد حرام صلاحیت اینکه مورد تحریم باشد را ندارد.
۴. فتأمل. [شاید وجه تأمل آن است که در تجری علاوه بر قصد، عملی هم وجود دارد که البته به طور اتفاقی مطابق واقع نبوده است و لذا ادله مذکور نمی‌تواند در مورد تجری باشد. بلکه در مورد جایی است که قصد موجود است و اصلاً عملی از عید سر نزده است.]



۱. مبانی الاحکام، ج ۲، ص ۴۵.